

دُعای کَمیل

بخط ابوالحسن مظفری

نگارش آسان

دعای کمیل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

۳
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدایا از تو درخواست می‌کنم

بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

به آن رحمت بی‌انتهایت که همه موجودات را فرا گرفته است *

۶
وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي فَهَرَّتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

و به توانایی بی حدت که بر هر چیز مسلط و قاهر است *

و خَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ

و همهٔ اشیاء خاضع و مطیع اوست *

وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ * وَبَجَبَرُوتِكَ الَّتِي

و تمام عزت‌ها در مقابلش ذلیل و زبون است * و به مقام جبروت

غَلَبَتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ *

و بزرگیت که همه قدرت‌ها برابر او مغلوب است *

وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ

و به عزت و اقتدارت که هر مقتدری از مقاومتش عاجز است *

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ

و به عظمت و بزرگیت که سراسر عالم را مشحون کرده است *

۷
وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ

و به سلطنت و پادشاهیت که بر تمام قوای عالم برتری دارد *

وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

و به ذات پاکت که پس از فنای همه موجودات، باقی ابدی است *

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي

و به نام‌های مبارکت

مَلَأْتِ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ ❁

که در همهٔ ارکان عالم هستی تجلی کرده است *

وَيَعْلَمُ الَّذِي


و به علم ازلیت

أَخَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

که بر تمام موجودات محیط است *

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي

و به نور تجلی ذات

أَضَاءَ لَهُ **و** كُلُّ شَيْءٍ 

که همهٔ عالم را روشن ساخته است *

يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ * يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ

ای نور حقیقی و ای منزّه از توصیف * ای پیش از همه سلسله

وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ *

و بعد از همه موجودات پسین *

۱۲
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدايا ببخش آن گناھانی را که

تَهْتِكُ الْعِصْمَ

پرده عصمت را پاره می کند *

۱۳
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدايا ببخش آن گناھانی را که

تُنزِلُ النَّقْمَ

بر من کیفر عذاب نازل می کند *

۱۴
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدایا ببخش آن گناہانی را کہ

تَغْفِرِ النَّعَمَ

در نعمتت را به روی من می بندد *

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدايا ببخش آن گناہانی را کہ

تَحْبِسُ الدُّعَاءَ ❁

مانع قبولی دعاہایم می شود *

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدايا ببخش آن گناھانی را که

تُنزِلُ البَلَاءَ

بر من بلا می فرستد *

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ و

خدایا هر گناهی که مرتکب شده‌ام را ببخش *

وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا

و هر خطایی که از من سر زده را ببخش *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ

ای خدا من به یاد تو، به سویت تقرب می جویم *

وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ

و تو را نزد تو شفیع می آورم *

وَاسْأَلْكَ بِجُودِكَ

و از درگاه جود و کرمّت مسئلت می‌کنم

أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ

که مرا به مقام قرب خود نزدیک سازی *

وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ

و شکر و سپاست را به من بیاموزی *

وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

و ذکر و توجه حضرتت را بر من الهام کنی *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدایا از تو مسئلت می‌کنم

سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ

با سؤالی از روی خضوع و ذلت و خشوع و مسکنت *


 أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي

که کار بر من آسان بگیری و به حالم ترحم کنی *


 وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا

و مرا به قسمت مقدر خود، خوشنود و قانع بسازی *

وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

و در هر حال مرا

مُتَوَاضِعًا

متواضع گردانی *

اللَّهُمَّ وَاسْأَلُكَ

خدایا من از تو، مانند سائلی

سُؤَالَ مَنْ اَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ و 

درخواست می‌کنم که در شدت فقر و بیچارگی باشد *

وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشُّدَايِدِ حَاجَتَهُ  و

و تنها به درگاه تو در سختی‌های عالم، عرض حاجت کند *

وَعَظَمَ فِيهَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ  و

و شوق و رغبتش به نعم ابدی که حضور توست باشد *

اللَّهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ

ای خدا پادشاهی تو بسیار با عظمت است

وَعَلَا مَكَانُكَ

و مقامت بسی بلند است *

وَ خَفِيَ مَكْرُكَ وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ ❁

و مکر و تدبیرت در امور پنهان است و فرمانت در جهان هویدا است *

وَ غَلَبَ قَهْرُكَ وَ جَرَّتْ قُدْرَتُكَ ❁

و قهرت بر همه غالب است و قدرتت در همه عالم نافذ است *

وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ

و کسی از قلمرو حکومت

مِنْ حُكُومَتِكَ ❁

فرار نتواند کرد *

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا



خدایا من جز تو کسی نمی‌یابم که گناهانم ببخشد *

وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا



و بر اعمال زشتم پرده پوشد *

وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ

و کارهای بدم (را از لطف و کرم)

بِأَحْسَنِ مَبْدَلٍ غَيْرِكَ

به کار نیک مبدل کند (جز تو کسی نمی‌یابم) *

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

خدایی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ

ای ذات پاک و منزّه، و به حمد تو مشغولم *

ظَلَمْتُ نَفْسِي

ستم نمودم به خودم

وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي

و دلیری کردم به نادانی خود *

وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي

و خاطر من آسوده به این بود که همیشه مرا یاد کردی

وَمِنْكَ عَلَيَّ

و بر من لطف و احسان فرمودی *

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَ

ای خدا، ای مولای من چه بسیار کارهای زشتم که پوشاندی *

وَكَمِّ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلَّتَهُ وَ (أَمَلَّتَهُ وَ)

و چه بسیار بلاهای سخت که از من دور گردانیدی *

وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ 

و چه بسیار از لغزش‌ها که مرا نگاه داشتی *

وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ 

و چه بسیار ناپسندها که از من دور کردی *

وَکَمِ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِیلٍ

و چه بسیار تعریف نیکو که من لایق آن نبودم،

لَسْتُ أَهْلًا لَهُ وَ نَشَرْتَهُ

و تو از من بر زبان‌ها منتشر ساختی *

اللَّهُمَّ عَظُمَ بِلَائِي

ای خدا غمی بزرگ در دل دارم *

وَافْرَطَ بِي سُوءٌ حَالِي

و حالی بسیار ناخوش دارم *

وَقَصَّرْتُ (قَصَّرْتُ) بِي أَعْمَالِي ❁

و اعمالی نارسا دارم *

وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي ❁

و زنجیرهای علایق مرا در بند کشیده *

وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي

و آرزوهای دور و دراز دنیوی

بُعْدُ أَمَلِي (ءَامَالِي) 

از هر سودی مرا باز داشته *

وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا

و دنیا به خدعه و غرور *

وَ نَفْسِي بِجِنَايَتِهَا (بِخِيَانَتِهَا) وَ مِطْأَلِي

و نفسم به جنایت، فریبم داده است *

يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ

ای خدای بزرگ و سید من به عزت و جلالت قسم، که دعای مرا

عَنْكَ دُعَائِي سُوءٌ عَمَلِي وَفِعَالِي ❁

از اجابتت منع نکند عمل بد و افعال زشت من *

وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ

و مرا به قبايح پنهانم، مفتضح و رسوا نگردانی

مِنْ سِرِّي

که تنها تو بر آن آگاهی *

وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَىٰ مَا عَمِلْتَهُ ۗ

و (کَرَم کن و) زود به عقوبتم مگیر بر آنچه

فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوِّءٍ فَعَلِيٍّ وَإِسَاءَتِي ۗ

در خلوت به جا آورده‌ام، از اعمال بد و ناشایسته *

وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي ❁

و تقصیر و نادانی *

وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي ❁

و کثرت اعمال غفلت و شهوت که کرده‌ام *

وَ كُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي

ای خدا به عزت و جلالت سوگند

فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ (فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا) رَءُوفًا

که با من در همه حال رأفت و رحمت فرما *

وَعَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَظُوفًا

و در جمیع امور مهربانی کن *

إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ

ای خدا، ای پروردگار، جز تو من، چه کسی را دارم *

أَسْأَلُهُ وَكَشَفَ ضُرِّي

تا از او درخواست کنم که غم و رنجم را برطرف سازد

وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

و به مآلم از لطف توجه کند *

إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَجْرِيَتَ عَلَيَّ

ای خدا ای مولای من تو بر من حکم و دستوری مقرر فرمودی

حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي

و من در آن به نافرمانی، پیرو هوای نفس گردیدم *

وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ

و حفظ نکردم خود را

مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي

از وسوسه دشمن (نفس) *

فَغَرَّبْنِي بِمَا أَهْوَى

که معصیت‌ها را در نظرم جلوه‌گر ساخته

وَأَسْعَدَهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ الْقَضَاءُ

و فریبم داد و قضای آسمانی نیز مساعدت کرد *

فَتَجَاوَزَتْ بِمَا جَرَىٰ عَلَيَّ

تا آنکه من قدم بیرون نهادم در این رفتار

مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ (مِنْ نَقْضِ) حُدُودِكَ ❁

از بعض حدود و احکامت *

وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ ❁

و در بعضی اوامرت راه مخالفت پیمودم *

فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ ❁

حال در تمام این امور تو را ستایش می‌کنم *

وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ

و مرا در آنچه رفته است بر تو هیچ حجتی نخواهد بود، با آنکه در او

قَضَاؤُكَ * وَالزَّمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ *
 * قضای تو بوده * و حکم (تکوینی) و امتحان و آزمایش تو، مرا بر آن ملزم ساخته *

وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

و با این حال بار خدایا به درگاهت باز آمده‌ام پس از تقصیر

وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي

و ستم بر نفس خود *

مُعْتَذِرًا نَادِمًا * مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا *

با عذرخواهی و پشیمانی * و شکسته‌دلی و تقاضای عفو *

مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا *

و آمرزش و توبه و زاری *

مُقِرًّا مَذْعِنًا مُعْتَرِفًا



و تصدیق و اعتراف بر گناه خود *

لَا أَجِدُ مَفْرًا مِمَّا كَانَتْ مِنِّي



نه از آنچه کردم مفری دارم *

وَلَا مَفْزَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

و نه جایی که برای اصلاح کارم بدانجا روی کنم و پناه ببرم *

غَيْرِ قَبُولِكَ عُذْرِي

مگر آنکه تو باز عذرم بپذیری *

وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ

و مرا در پناه

فِي سَعَةٍ (مِنْ) رَحْمَتِكَ

رحمت بی منتهایت داخل کنی *

اللَّهُمَّ (الهِجَى) فَأَقْبِلْ عُذْرِي

ای خدا عذرم بپذیر

وَارْحَمْ شِدَّةَ ضَرْبِي

و بر این حال پریشانم ترحم فرما *

وَأُفَكِّنِي مِنْ شَدِيدٍ وَثَاقِي ❁

و از بند سخت گناهانم رهایی بخش *

يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي

ای پروردگار من، بر تن ضعیف

وَرِقَّةٌ جِلْدِيٌّ

و نازکی پوست

وَرِدْقَةٌ عَظْمِيٌّ

و بی طاقتی استخوانم ترحم کن *

يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي

خدایی که در اول، به وجودم سرافراز، و به لطف یادم کردی و به تربیت

وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي

و نیکی، پرورشم دادی و به غذا عنایت داشتی *

هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ

اینک به همان سابقه کرم و احسانی که پیش از این

وَسَالِفِ بَرَكَاتِي

با من داشتی، بر من ببخش *

يَا اِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي *

ای خدای من ای سید و پروردگار من *

اَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ *

آیا باور کنم که مرا در آتش می سوزانی با وجود آنکه به توحید و یکتائی ات گرویدم *

وَبَعْدَ مَا انطوى

و با آنکه دلم

عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ ❁

به نور معرفت تو روشن گردید *

وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ

و زبانم به ذکرت گویا شد *

وَاعْتَقَدَهُ وَضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ

و در باطنم عقد محبت تو استوار گردید *

وَبَعْدَ صِدْقٍ اعْتِرَافِيٍّ وَدُعَائِيٍّ

و بعد از آنکه از روی صدق و خضوع و مسکنت

خَاضِعًا لِرَبُّوبِيَّتِكَ

به مقام ربوبیتت اعتراف کردم *

هَيَّاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ

بسیار دور است که تو کریم‌تری از اینکه،

مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ 

از نظر بیاندازی کسی که او را پرورش داده‌ای *

أَوْ تَبْعِدَ (تُبْعِدَ) مِنْ أَدْنَيْتِهِ و

یا آنکه دور کنی کسی را که نزد خود کشیده‌ای *

أَوْ تُشْرِدَ مِنْ أَوْيَاتِهِ و

یا برانی آنکه را که به او جا داده‌ای *

أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ

یا بسیاری به سوی بلاء آنکه را که به او کفایت کرده‌ای

وَرَحِمَتَهُ وَ

و رحم نمودن او *

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي

و ای کاش بدانستمی ای خدای من و سید

وَإِلٰهِي وَمَوْلَايَ *

و مولای من *

أَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَىٰ وُجُوهِ

که آیا تو آتش قهرت را مسلط می‌کنی بر آن رخسارها

خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً

که در پیشگاه عظمتت سر به سجده عبودیت نهاده‌اند *

وَعَلَى السُّنِّ نَطَقْتُ بِتَوْحِيدِكَ

یا بر آن زبان‌ها که از روی حقیقت و راستی، ناطق به توحید تو

صَادِقَةٌ وَبِشُكْرِكَ مَا دِحَةٌ ❁

و گویا به حمد و سپاس تو هستند *

وَ عَلٰی قُلُوْبٍ اَعْتَرَفَتْ

یا بر آن دل‌ها که به خدایی تو از روی صدق

بِالْهَيْتِكَ مُحَقَّقَةٌ

و یقین معترفند *

وَ عَلٰی ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِّنَ الْعِلْمِ بِكَ

یا بر آن جان‌ها که از علم و معرفت در پیشگاه جلالت

حَتَّىٰ صَارَتْ خَاشِعَةً

خاضع و خاشعند *

وَ عَلٰی جَوَارِحِ سَعَتُ

یا بر آن اعضایی که مشتاقانه

إِلَى أَوْطَانٍ تَعْبُدُكَ طَائِعَةٌ

به مکان‌های عبادت و جایگاه طاعتت می‌شتابند *

وَأَشَارَتْ بِأَسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

و به اعتقاد کامل از درگاه کَرمت آمرزش می طلبند *

مَا هِيَ كَذَا الظَّنُّ بِكَ

و هیچکس به تو این گمان نمی برد

وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ

(که بندگان را بسوزانی) و چنین خبری از تو به ما بندگان نرسیده *

يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ

ای خدای با فضل و کرم *

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ

در صورتی که خودت بی طاقتیم را بر اندک رنج

مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا

و عذاب دنیا و آلامش می دانی *

وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى

و آنچه در دنیا از بد آمدنی‌های آن، بر اهلش جاری شود

أَهْلِهَا عَلَى أَنْ ذَلِكْ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ

با آنکه رنج و الم دنیا اندک است *

قَلِيلٌ مَّا كُنْتُمْ عَلَيْهِ * وَيَسِيرٌ بِقَائِهِ *
 و زمانش کم است * و دوامش ناچیز است *

قَصِيرٌ مَدَّتْهُ *
 و مدتش کوتاه است *

فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبِلَاءِ الْآخِرَةِ

پس من چگونه طاقت آورم عذاب عالم آخرت را

وَجَلِيلٍ (حُلُولٍ) وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا

و آلام سخت آن عالم را *

وَهُوَ بِأَلَاءِ رَبِّهِ تَطْوِيلٌ مُدَّتُهُ وَ

و حال آنکه مدت آن عذاب طولانی است

وَيَدُومُ مَقَامَهُ وَ

و زیست در آن همیشگی است *

وَلَا يَخْفَىٰ عَنْ أَهْلِهِ

و هیچ بر اهل عذاب در آنجا

لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكِ

تخفیفی نیست چندان که آن عذاب تنها از غضب

وَإِنِّي لَأَتِّقِيكُمْ وَبِحَبْلِ اللَّهِ مَعَكُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٨٥﴾

و قهر و انتقام توست * که هیچکس

مَا لَأَتَّقُوا لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

از اهل آسمان و زمین تاب و طاقت آن را ندارد *

يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي (بِ)

ای سید من، پس چگونه تاب آن عذاب آورم،

وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ ❁

که من بنده ناتوان ذلیل تو هستم *

أَحْقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ ❁

و حقیر و فقیر و دور مانده *

يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ ❁

ای خدای من ای پروردگار من و سید و مولای من *

لَا يَلِيَّ الْأُمُورَ إِلَّا يَلِيَّ أَشْكُو

از کدامین سختی‌های امورم به سویت شکایت کنم *

وَلِيمَا مِنْهَا أَضِجُ وَأَبْكِي

و از کدام یک به درگاهت بنالم و گریه کنم *

لَا يَمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ

از دردناکی عذاب آخرت بنالم

أَمْ لِيَطُولِ الْبُلَاءِ وَ مَدَّتِهِ

یا از طول مدت آن بلای سخت، زاری کنم *



فَلَمَّا صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ

پس تو مرا اگر به انواع عقوبت با دشمنانت معذب گردانی *



وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَائِكَ

و با اهل عذابت همراه کنی *

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي

و از جمع دوستان

وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ

و خاصانت جدا سازی *

فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي

در آن حال گیرم که ای خدای من و سید

و مَوْلَايَ وَ رَبِّي *

و مولای من و پروردگار من *

صَبَرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ

بر آتش عذاب تو صبوری کنم،

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ

چگونه بر فراق تو صبر توانم کرد *

وَ هَبْنِي (يَا إِلَهِي) صَبِرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ

و گیرم آنکه بر حرارت آتشت شکیبای باشم،

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ

چگونه چشم از لطف و کرمت توانم پوشید *

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ

یا چگونه در آتش دوزخ ساکن شوم با این امیدواری

وَرَجَائِي عَفْوِكَ

که به عفو و رحمت بی منتهایت دارم *

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ ❁

باری به عزت ای سید و مولای من *

أَقْسِمُ صَادِقًا لَّئِن تَرَكْتَنِي نَاطِقًا ❁

به راستی سوگند می خورم که اگر مرا با زبان گویا (به دوزخ) گذاری *

لَا ضِجْنَ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا

من در میان اهل آتش ناله همی کنم

ضَجِيجَ الْأُمْلِينَ (الْأَلْمِينَ) 

مانند دادخواهان *

وَلَا صِرْخَنَ إِلَيْكَ

و بسی فریاد می‌زنم به سویت

صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

مانند شیون گریه‌کنندگان *

وَلَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ

و بنالم به آستانت

بُكَاءُ الْفَاقِدِينَ

مانند عزیزگم‌کردگان *

وَلَا نَادِيَنَّكَ آيِن كُنْتَ

و به صدای بلند تو را می خوانم

يَا وَليُّ الْمُؤْمِنِينَ

که ای یاور اهل ایمان *

یا غایةً اُمالِ العارِفینَ

و ای منتهای آرزوی عارفان *

یا غیاثَ المُستَغیثینَ

و ای فریادرس فریادخواهان *

يَا حَسِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ

و ای دوست دل‌های راستگویان *

وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

و ای یکتا خدای عالمیان *

أَفْتُرَاكَ سُبْحَانَكَ

آیا درباره تو ای خدای پاک و منزّه

يَا إِلَهِي وَجَمْدِكَ ❁

و ستوده صفات گمان می توان کرد *

تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

که بشنوی در آتش، فریاد بندهٔ مسلمی را

سُجِنَ (يُسْجَنُ) فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ

که به نافرمانی در دوزخ زندانی شده *

وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَّتِهِ 

و سختی عذابت را به کیفر گناه می چشد *

وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا جُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ 

و میان طبقات جهنم محبوس گردیده، به جرم و عصیان *

وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ

و ضجه و ناله اش بسوی تو بلند است

ضَجِيحٌ مُؤَمِّلٌ لِرَحْمَتِكَ

با چشم انتظاری و امیدواری به رحمت بی منتهایت *

وَيُنَادِيكَ بِلسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ ❁

و به زبان اهل توحید تو را می خواند *

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَبُّوبِيَّتِكَ ❁

و به ربوبیتت متوسل می شود *

يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ

ای مولای من، باز چگونه در آتش عذاب خواهد ماند،

وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ

در صورتی که به سابقهٔ حلم نامنتهایت چشم دارد *

أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارُ

یا چگونه آتش به او رنج رساند

وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ

و حال آنکه به فضل و کرمیت امیدوار است *

أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ وَ لَهِيْبَهَا (لَهْبُهَا) وَأَنْتَ

یا چگونه شراره‌های آتش او را بسوزاند با آنکه تو خدای کریم،

تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ ❁

نال‌اش را می‌شنوی و مکانش را می‌بینی *

أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

یا چگونه شعله‌های دوزخ بر او احاطه کند،

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ 

با آنکه ضعف و بی‌طاقتیش را می‌دانی *

أَمْ كَيْفَ يَتَّقِلُّ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا


یا چگونه به خود پیچد و در طبقات آتش مضطرب بماند،

وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

با آنکه تو به صدق (دعای) او آگاهی *

أَمْ كَيْفَ تَزَجِرُهُ وَزَيَّابِنِيتُهَا

یا چگونه مأموران دوزخ او را زجر کنند،

وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٗ 

با آنکه به صدای یا رب یا رب تو را می خواند *

أَمْ كَيْفَ يَرْجُوا فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا

یا چگونه به فضل تو امید آزادی از آتش دوزخ داشته باشد

فَتَتْرُكُهُ وَ (فَتَتْرُكُهُ وَ) فِيهَا

و تو او را به دوزخ واگذاری *

هَيَّهَاتَ مَا ذِيكَ الظُّرُوبُ بِكَ

هیبهات که هرگز این گمان نرود

وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ

و هرگز از فضل تو چنین معروف نباشد *

وَلَا مُشَبِّهٍ لِمَا عَامَلْتَهُ بِهِيَ الْمُؤَحِّدِينَ

و این معامله به رفتار با بندگان موحدت شباهت ندارد،

مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ

که همه احسان و عطا بوده *

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَاكَمْتَ بِهِ

پس من به یقین قاطع می دانم که اگر تو بر منکران خداییت

مِنْ تَعْذِيبِ جَا حِدِيلِكَ

حکم به آتش قهر خود نکرده بودی *

وَقَضَيْتَ بِهِ مِنَ إِخْلَادٍ مُعَانِدِيكَ

و فرمان همیشگی عذاب دوزخ را به معاندان نداده بودی *

جَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا

محققاً تمام آتش دوزخ را سرد و سالم می‌کردی *

وَمَا كَانَ (كَانَتْ) لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأًا

و هیچکس را در آتش جای و منزل

وَلَا مُقَامًا (مَقَامًا) 

نمی‌دادی *

لِكِنِّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ 

و لیکن تو ای خدا، نام‌های مبارکت مقدس است *

أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ

و قسم یاد کرده‌ای که دوزخ را از کافران پرگردانی،

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

جميع جن و انس *

وَأَنْ تُوَلَّدَ فِيهَا الْمَعَانِدِينَ

و معاندان را در آن عذاب جاویدان سازی *

وَأَنْتَ جَلُّ ثَنَا وَكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا

و ستایش بی حد تو را سزااست که با وجود آنکه خویش را ثنا گفتی *

وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا

و به همه انعام نمودی، (در کتاب خود فرمودی) *

﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا﴾

آیا (در آخرت) اهل ایمان

﴿كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾

با فاسقان یکسانند؟ هرگز یکسان نیستند *

إِلَهِي وَسَيِّدِي

ای خدای من و سید من *

فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا

از تو درخواست می‌کنم به مقام قدر (و آن قدرت ازلی) *

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا

که مقدرات عالم بدان کردی

وَحَاكَمْتَهَا 

و به مقام قضای مبرم *

وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَتَهَا

که بر هر که فرستادی غالب و قاهر شدی،

أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

که مرا ببخشی و درگذری در همین شب *

وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ

و در همین ساعت *

كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ

هر جرمی که کرده‌ام *

وَأَكَلُ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ

و هر گناهی که کرده‌ام *

وَأَكَلُ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ وَ

و هر کار زشتی که پنهان داشته‌ام *

وَكُلُّ جَهْلٍ عَمَلْتَهُ وَكَتَمْتَهُ وَ

و هر عملی که به جهالت مرتکب شده‌ام و هر عملی که

أَوْ أَعْلَنْتَهُ وَ * أَخْفَيْتَهُ وَ * أَوْ أَظْهَرْتَهُ وَ *

پوشیده یا ظاهر داشته‌ام * به آشکار یا در پنهان *

وَ كُلُّ سَيِّئَةٍ

و هر کار بدی

أَمْرٌ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامُ الْكَاتِبِينَ * 

که فرشتگان عالم پاک را مأمور نگارش آن کرده‌ای *



الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنْهُ

که آن فرشتگان را به حفظ هر چه کرده‌ام موکل ساختی *



وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَىٰ مَعَ جَوَارِحِي

و شاهد اعمالم با جوارح و اعضای من گردانیدی *

وَ كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ

و فوق آن فرشتگان، تو خود مراقب من هستی

وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ

* و شاهد و ناظر بر آن اعمال من *

وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ 

* که از فرشتگان هم به رحمت پنهان داشته‌ای *

وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ 

* و به فضل پوشاندی (همه را ببخشی) *

وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَ

و نیز درخواست می‌کنم که مرا بهره بسیار بخششی از هر خیری

(تَنْزِلُهُ وَ) * أَوْ إِحْسَانٍ فَضَلْتَهُ وَ (تَفْضِيلُهُ وَ) *

که می‌فرستی * و هر احسانی که می‌افزایی *

أَوْ بِرٍ نَشَرْتَهُ وَ (تَنْشُرُهُ وَ) 

و هر نیکویی که منتشر می‌سازی *

أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ وَ (تَبْسُطُهُ وَ) 

و هر رزق و روزی که وسیع می‌گردانی *

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ * أَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ *
 * و هر گناه که می بخشی * و هر خطا که بر آن پرده می کشی *


و هر گناه که می بخشی * و هر خطا که بر آن پرده می کشی *

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ *
 * ای رب من ای رب من ای رب من *

ای رب من ای رب من ای رب من *

يَا اِلٰهِيَّ وَ سَيِّدِيَّ وَ مَوْلَايَ

ای خدای من ای سید و مولای من

وَمَا لِكَ رِقِيَّ 


و ای کسی که زمام اختیارم به دست اوست *

یا مَنْ بیدِه ناصیتی

ای واقف از حال زار و ناتوانم *

یا عَلیماً بِضُرِّی (بِفَقْرِی) وَ مَسْکَنْتِی

ای آگاه از بینوایی و وضع پریشانم *

یا خَیْرًا بِفَقْرِیْ وَ فَاقَتِیْ * 

ای آگاه به احتیاج و بی چیزیم *

یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ * 

ای رب من ای رب من ای رب من *

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ ❁

از تو درخواست می‌کنم به حق حقیقتت و به ذات مقدست *

وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ ❁

و بزرگترین صفات و اسماء مبارکت *

أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنْ (فِي) اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

که اوقات مرا در شب و روز به یاد خود

بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةٌ ❁

معمور (آباد) گردانی *

وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةٌ

و پیوسته به خدمت بندگی ات بگذرانی *

وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةٌ

و اعمالم را مقبول حضرتت فرمایی *

حَتَّىٰ تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي (ارَادَتِي)

تا کردار و گفتارم همه یک جهت و خالص

كُلُّهَا وَرِدًّا وَاحِدًا ❁

برای تو باشد *

وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا ❁

و احوالم تا ابد به خدمت و طاعتت مصروف گردد *

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيَّ مَعْوِي ❁

ای سید من، ای کسی که تمام اعتماد و توکلم بر اوست *

یا مَنْ إِلَيْهِ شَكَوْتُ أَحْوَالِي

و شکایت از احوال پریشانم به حضرت اوست *

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای رب من ای رب من ای رب من *



قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي

(لطفی کن) و به اعضا و جوارحم در مقام بندگیت قوت بخش *



وَ اشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي

و دلم را عزم ثابت ده *

وَهَبْ لِي اِجْدًا فِي خَشِيَّتِكَ ❁

و ارکان وجودم را به خوف و خشیت، محکم ساز *

وَالدَّوَامَ فِي الْاِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ ❁

و پیوسته به خدمت در حضرتت بدار *

حَتَّىٰ أَسْرَحَ إِلَيْكَ

تا آنکه من در میدان طاعت

فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ

بر همه پیشینیان سبقت گیرم *

وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ (الْمُبَادِرِينَ) ❁

و از همه شتابندگان به درگاہت زودتر آیم *

وَأَشْتَأِقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَأِقِينَ ❁

و عاشقانه با مشتاقانت به مقام قرب حضرتت بشتابم *

وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ

و مانند اهل خلوص به تو نزدیک گردم *

وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ

و بترسم از تو مانند ترسیدن یقین‌کنندگان *

وَأَجْتَمِعَ فِي جَوَارِكِ

و با اهل ایمان در جوار رحمت


مَعَ الْمُؤْمِنِينَ



همنشین باشم *

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ 

خدایا، و هر که به من بد اندیشد تو مجازاتش کن *

وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ 

و هر که مکر ورزد به کیفرش برسان *

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ

و مرا به لطف و رحمتت نصیب

نَصِيْبًا عِنْدَكَ

بهترین بندگانت عطا کن *

وَأَقْرَبِهِمْ مِّنْزَلَةً مِّنْكَ

و مقام مقربترین و مخصوصترین

وَأَخْصِهِمْ زَلْفَةً لَّدَيْكَ

خاصان حضرتت کرامت فرما *

فَإِنَّهُ **و** لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ

که هیچکس جز به فضل و رحمت این مقام نخواهد یافت

وَجُدِّي بِجُودِكَ 

و باز جود و بخشش بی عوضت از من دریغ مدار *

وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ

بزرگی و مهربانی کن *

وَأَحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ

و مرا به رحمت و اسعوات از شرّ دو عالم محفوظ بدار *

وَأَجْعَلُ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا

و زبانم را به ذکر خود گویا ساز *

وَقَلْبِي مَحَبَّتِكَ مُتِيْمًا

و دلم را از عشق و محبت بی تاب گردان *

وَمَنْ عَلَىٰ بِحُسْنِ اجَابَتِكَ ❁

و بر من منت گذار و دعایم مستجاب فرما *

وَ أَقِلْنِي عَثْرَتِي ❁ وَ اغْفِرْ زَلَّتِي ❁

و از لغزشم بگذر * و خطایم ببخش *

فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَىٰ عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ

که تو خود به بندگان از لطف، دستور عبادت دادی

وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ

* و امر به دعا فرمودی *

وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ ❁

و اجابت (دعا) را ضمانت کردی *

فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي ❁

ای پروردگار، پس اینک من به دعا رو به سوی تو آوردم *

وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي 

و دست حاجت به درگاه تو دراز کردم *

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

پس به عزت و جلالت قسم که دعایم مستجاب گردان

وَبَلِّغْنِي مَنَائِي * 

و مرا به آرزویم (که وصال توست) برسان *

وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي * 

و امیدم را به فضل و کرمات ناامید مگردان *

وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

و از شر دشمنانم از جن و انس

مِنْ أَعْدَائِي

کفایت فرما *

يَا سَرِيعَ الرِّضَا

ای که از بندگانت بسیار زود راضی می شوی *

إِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ

بخش بر بنده‌ای که به جز دعا و تضرع به درگاهت، چیزی ندارد *

فَإِنِّكَ فَعَالٌ لِّمَا تَشَاءُ ❁

که تو هر چه خواهی می‌کنی *

يَا مَنِ اسْمُهُ وَدَوَاءُ ❁

ای که نامت دواى دردمندان *

وَذِكْرُهُ  شِفَاءٌ

و یادت شفای بیماران است *

وَطَاعَتُهُ  غِنَى

و طاعتت بی نیازی از هر چه در جهان *

إِرْحَمَ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ ❁

ترحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید به توست *

وَسِلاحُهُ الْبُكَاءُ ❁

و اسلحه‌اش گریه است *

يَا سَابِغَ النِّعَمِ * يَا دَافِعَ النِّقَمِ *

ای بخشنده کاملترین نعمت * ای دفع کننده هر بلاء و مصیبت *

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ *


ای نور دل‌های وحشت‌زده در ظلمات (فراق) *

يَا عَالِمًا لَا يَعْلَمُ ❁

ای دانای علم ازل تا ابد، بی آموختن *

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ❁

درود فرست بر محمد «ص» و آل محمد «ع» *

وَأَفْعَلُ بِى مَا أَنْتَ أَهْلُهُ 

و با من آن کن که لایق حضرت توست *

وَصَلَّى عَلَى رَسُولِهِ

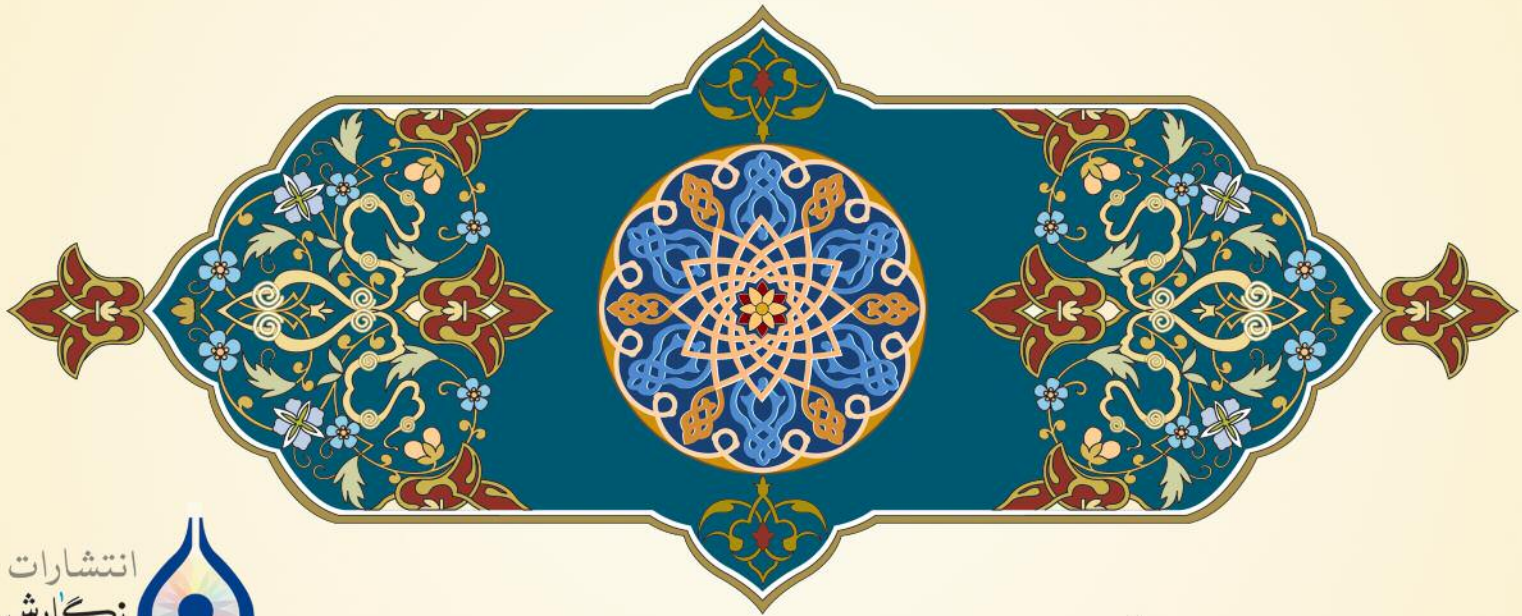
و درود و رحمت خدا بر رسول گرامیش

وَالْأَئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ عَالِهِ (أَهْلِهِ) 

و امامان با برکات از اهل بیتش *

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا [كَثِيرًا] 

و سلام و تحیت بسیار بر آن بزرگواران باد *



برای دریافت جدیدترین آثار به کانال: t.me/negarahasanpub مراجعه کنید.